



۲۰۱۷/۱۰/۱۸



م. اسحاق نگارگر

دزدی برای نجات از گرسنگی

از شهری که در آن انسانی به دلیل نجات از گرسنگی مجبور به دزدی می شود مهر و عاطفه کوچیده است دوستی که خدای بزرگ عملش را اجر دهد! حکایتی برای من فرستاده است. نخست آن حکایت را با شما در میان می گذارم.

در یکی از شهرهای کانادا پیرمردی را به جرم دزدیدن نان نزد قاضی بردند؛ پیرمرد به گناه خود اعتراف کرد و در توجیه آن گناه گفت: "از گرسنگی نزدیک به مرگ بودم و برای نجات خود مرتکب این گناه گردیدم. قاضی گفت: عمل تو جرم است و من ترا ده دالر جریمه می کنم اما چون تو پول نداری من خود جریمه ترا می پردازم و هنوز این پایان فیصله من نیست که من به شمول خودم همه ساکنان این شهر را نیز ده دالر جریمه می کنم زیرا از شهری که انسان برای نجات از گرسنگی مجبور به دزدی شود مهر و عاطفه کوچیده است و من همه مردم شهر را به پرداخت این جریمه محکوم می کنم تا مهر و عاطفه را به شهر برگردانم. این حکایت را با خود داشته باشید و بیابید این جا در کابل ضجه های دردناک کودکان؛ زنان و مردان را بشنوید.

من که درمانده ام. بدبختانه کیسه ام از پول تهی و دلم از عاطفه پراست. بسیاری ها برایم بیدارباش می دهند که غالب این گدایان حرفه ای استند و از پول گدایی بلند منزل ها آباد کرده اند.

من این گفته ها را مبالغه های انوری وار می پندارم و فکر می کنم مردم دارا این گونه تصورات را پرده ساتر گریز از مسؤلیت های خود ساخته اند تا اگر روزی اینجا نیز یک قاضی عادل پیدا شد و مردم شهر را به جرم کوچیدن مهر و عاطفه پنجاه؛ پنجاه افغانی جریمه کرد برای گریز یک راه گنجشک باید وجود داشته باشد. در دل می گویم «اگر من هم مانند دیوجانس کلبی یک میراث شاهانه می داشتم درویش وار در کوچه و بازار شهر پول می افشاندم و داد می زدم که این پول ها را بردارید و مهر و عاطفه انسانی را به این شهر برگردانید.

من نمیدانم ما از چه کس و چگونه کاپی برداری میکنیم. در اسلام خمس و زکوة به بیت المال تعلق داشت و دولت به حکم سوره مبارکه اريت الذی مکلف بود که در راه اطعام یتیم؛ مسکین و ابن السبیل تلاش کند. معنای یتیم معلوم است طفلی که پدر یا مادر یا هر دو را از دست داده و فاقد وسیله زندگی مانده باشد. مسکین که از لفظ سکنی (مانند موسی)

به اهتمام ولی احمد نوری

آمده بمعنای مرد یا زنی است که بخاطر بیماری و یا پیری قدرت حرکت و تلاش روزی را از دست داده باشد و بالاخره ابن السبیل (فرزند راه) مسافری است که از سرزمین خود دور افتاده و مخارج و امکانات بازگشت را نداشته باشد. می دانیم که حضرت عمر فاروق در هنگام خلافت خویش در کوچه های مدینه گشت و گذار می کرد و در یکی از شب ها که حضرت عبدالرحمان بن عوف با او بود از کنار خیمه یک زن بدوی می گذشت که شنید آن زن بدوی می گوید: «الهی داد مرا از عمر بن خطاب بگیر!»

عمر گفت: برویم ببینیم که از من بر این زن چه ستم رفته است که دستش بر آستان خدا (ج) بلند است. «رفتند که زنی نشسته است و در پیرامون او چند طفل خوابیده اند. عمر (رض) از زن می پرسد که بر وی چه ستم رفته است و او می گوید: «سرپوش را از دیگ بردار!» عمر (رض) سرپوش را برمیدارد و می بیند که در دیگ جُز سنگ ریزه ها چیزی نیست. می رود و از بیت المال آرد؛ روغن و خرما می برد این عوف می خواهد که زحمت خلیفه را کم کند و آنگار را بر دوش خود بگیرد ولی خلیفه برایش میگوید: «ای ابن عوف در آن دنیا چه کسی بار مرا بر دوش خواهد برد و برای آن زن و یتیمان حلوا می پزد و در حالیکه اشک در دیده دارد از آن زن عذر تنصیر رفته را می خواهد. آیا این حکایت به روشنی برای ما نمیگوید که یک دولت اسلامی مکلف است به داد یتیمان؛ مسکینان و مسافران برسد. من آن اسلام شکلی را به پیشیزی هم نمیخرم که ریاکارانه خدا؛ خدا بگوید ولی در راه خدا یک تنگه ارفاق نکند. دولت مکلف است از آنانی که قدرت و ثروت دارند خمس و زکوة بگیرد و برای همین منظور های خیریه نگاه دارد. این موضوع نیز قابل توجه است که در خلافت حضرت ابوبکر صدیق (رض) آنانیکه از اسلام ارتداد جسته بودند نماز رایگان را به رضای خاطر می خواندند ولی از خمس و زکوة روگردان شده بودند و ابوبکر گفت: تا آخرین در هم خمس و زکوة را از اینان نگیرم شمشیر در غلاف نمی کنم. اما اکنون زکوة عملی شده است که مربوط به رضای خاطر زکوة دهنده شده است و حتی طالبان دره به دست نیز که مردم را به زور سوی مساجد می راندند کاری با زکوة نداشتند و اگر داشتند برای مصارف سیاسی خود داشتند و حال آنکه زکوة برای دستگیری از محتاجان است.

یک راه دیگر نیز وجود دارد که بسیاری از افغان ها در خارج از کشور نیز خیر و خیرات ها دارند که اگر بیت المال شکار رشوه خواری و فساد نگردد آن کمک ها نیز می تواند برای محتاجان جلب شود. همین حالا هم مردم به شیوه های مختلف با هموطنان خود کمک می کنند ولی این کمک ها سازماندهی درست نشده است و سخت نیازمند یک منجمنت کار است. اگر این کمک ها به شیوه خوب و به طور منظم گردآوری شود برای آسیب رسیدگان حوادث ناگوار سیل و زلزله نیز می توان استفاده کرد.

من انکار نمی کنم که مردان کار گریز و تنبل و مبتلایان به مواد مخدر نیز برای رفع ضرورت های خود به گدایی رو آورده اند و تنها دولت می تواند میان این دو گروه تفکیک کند. اگر این اسلام شکلی امروز احسان و ارفاق را به طبیعت اصلی بدل نکند مسلمانی ما مصداق شعر حافظ خواهد بود که:

گرمسلمانی همین است که حافظ دارد

وای اگر از پی امروز بُود فردایی

والله اعلم بالصواب روز دوشنبه ۱۶ اکتوبر ۲۰۱۷ شهر کابل